

لوح مبارک در جواب سائل از حجت و برهان

حضرت بهاء الله

أصلي عربي



من آثار حضرت بهاء الله - مائده آسمانی، جلد 1، صفحه 78 - 82

باب بیست و یکم در بیان حجت و برهان جمال قدم میفرمایند قوله تعالی :

"بنام خداوند یکتا"

"مکتوبی از شما رسید آنچه در او مذکور بود نزد اهل بصر واضح و مبرهن است بشنو ندای مظلوم آفاق را از حق بخواه تا قادر شوی بر محو موهوم و صحو معلوم نوشته بودی که سالها دینی تحصیل نموده و بان موقنی اگر نفسی از شما سؤال نماید که بچه حجت و برهان چه خواهی گفت اجعل محض رک بین یدی الرحمن ثم انطق بالانصاف انی لک ناصح امین مطالبی را که ذکر نمودی و علامت حقیقت قرار دادی این امور نزد حق لم یزل و لا یزال مردود بوده بهتر آنکه خالصاً لوجه الرحمن قدری از آیات فرقان تلاوت نمائید و در معانی آن تفکر کنید شاید در این یوم که سلطان ایام است از رحیق عرفان محروم نمانید و از کوش و حی الهی بی نصیب نشوید از جمله در این آیات مبارک که از قبل بر محبوب عالم و سید امم نازل شده تفکر کنید میفرماید و قالوا لن نؤمن لک حتی تفجر لنا من الارض ینبوعا او تکون لک جنة من نخیل و عنب فتفجر الانهار خلالها تفجیرا او تسقط السماء کما زعمت علینا کسفا او تأتي بالله و الملائكة قبیلا او یکون لک بیت من زخرف او ترقی فی السماء و لن نؤمن لرقیک حتی تنزل علینا کتابا نقرئه قل سبحان ربی هل کنت الابرار رسولا این آیاتی است که مشرکین بخاتم انبیا روح ما سویه فداه گفته اند یعنی مضمون این آیات را شرایط ایمان قرار داده اند که اگر آن حضرت



ORIGINAL

ظاهر فرماید بحق موقن شوند حال تفکر در آن نفوس غافله نمائید که عرض کرده‌اند باید در ارض بطحاء چشمه ای جاری کنی و یا یک بیتی از ذهب ظاهر کنی از برای ما یا اینکه بآسمان صعود نمائی مقابل چشم ما و بیائی بگلابی که او را قرائت کنیم یا بستانی ظاهر کنی که در آن نخیل و عنب باشد یا آنکه به حق جل جلاله و قبیلی از ملائکه بیائی اینها اموراتی بود که مشرکین حجاز از سید عالم خواستند که ظاهر فرماید تا موقن شوند بآنچه بیان فرموده و معانی آن مجملی ذکر شد حال ببصر حدید و قلب اطهر و انصاف کامل ملاحظه نمائید و تفکر کنید لیحصص لک الحق و یظهر لک صراطه الله الذی ظهر بالحق و تجد نفسک علی یقین مبین

و بعد از این سؤالات ملاحظه کنید که حق جل جلاله در جواب چه فرموده بگو: هل کنت الا بشرا رسولا و اگر این عرایض مقبول میشد و حق تعالی سلطانه ظاهر میفرمود آنچه را که خواسته بودند بزعم آنها دیگر در ارض احدی منکر و معرض حسب ظاهر مشاهده نمیشد و حال آنکه در مقام دیگر میفرماید اگر ببینند جمیع آیات را بحق مقبل نشوند و بافق اعلی توجه ننمایند حال آنجناب در آنچه خواسته‌اند تفکر نمایند قسم بمنزل کتب که اگر بانصاف و مقدس از اغراض نفسانیه در آنچه ذکر شد تأمل نمائید البته بحق راجع شوید و منقطعاً عن کل ما سوی الله از بیت خارج و بلیک اللهم لیبیک ناطق گردید حق منتظر آن نبوده و نیست که هر نفسی آنچه بخواهد ظاهر فرماید علم یفعل ما یشاء بر افراخته و بکلمهء احکم ما ارید ناطق این بسی واضح است که حق جل کبریائه فاعل مختار است آنچه بگوید و بفرماید همان مصلحت عباد بوده و خواهد بود و آنچه شما خواستید اعظم از آن ظاهر شده در کتب الهیه تفرس نمائید تا مطلع شوید بر علم و حکمت و سلطنت و قوت و قدرت و احاطهء حق تعالت قدرته و تعالت عظمته و تعالت سلطنته انشاء الله از امثال این مطالب و اقوال که معرضین اعصار قبل بآن تکلم نموده‌اند مقدس و منزّه شوید و به حجت باقیه الهیه و ما ظهر من عنده ناظر و متمسک باشید قد ظهر ما لا ظهر من قبل یشهد بذلک کل حجر و مدر و لکن الناس اکثرهم من الغافلین قل سبحانک یا اله الوجود و مالک الغیب و الشهود اسئلک باسمک المخزون الموعود الذی به ماج بحر عرفانک و هاج عرف قیصک و فتح باب لقائک علی من فی سمائک و ارضک بان تؤیدنی علی عرفان مشرق وحیک و مطلع آیاتک ای رب انا الذی منعتنی الاوهام عن افق یقینک و ظنون العباد عن بحر فضلک اسئلک بنفسک بان توفقنی علی الاقبال الیک و الاعراض عن دونک ای رب انت الکریم ذو الفضل العظیم لا تطرد هذا المسکین عن باب عطائک و لا هذا المحروم عن لجة بحر احدیتک فاغفر بجدک و احسانک انک انت الجواد الکریم و انک انت ارحم الراحمین